



## نمودپذیری حس تعلق به مکان در محلات قدیم و جدید: نمونه موردی محلات ابوذر و امام حسین شهر یاسوج

الهام قدمی

زین العابدین تقوی نسب

### چکیده

انسان نیاز دارد هرچه بیشتر فضای زندگی خود را مخاطب قرار دهد، آن را از خود بداند و مهر و نشان خویش را بر آن بزند. انسان با عدم ادراک خود و رابطه اش با جهان پیرامون دچار هراس می شود. احساس دل‌بستگی و تعلق به مکان در این میان، ملجا و پناهگاهی است تا او را از تعلیقات رهایی بخشد و به آرامش برساند. معماران و طراحان محیطی به همراه پژوهشگران دیگر علوم تلاش کرده اند تا کیفی محیط طراحی خود را با رسیدن به این سطح معنایی ارتقاء دهند؛ اما نبود تعریف دقیق و مشخص از این حس و عوامل تشاکیل دهنده آن از یار طارک و کا تاوجهی پژوهشگران به فاکتورهای کالبدی موثر بر حس تعلق از طرف دیگر، سبب ایجاد نوعی سردرگمی و بلاتکلیفی گردیده است. این پژوهش، هدف اصلی بررسی حس تعلق به مکان در محله های قدیم و جدید شهر یاسوج (محله ابوذر و امام حسین) می باشد. دومین هدفی که این پژوهش در پی دست یافتن به آن است، وزن دهی شاخص های حس تعلق به مکان و میزان تاثیرگذاری عامل زمان در شکل گیری حس تعلق به مکان در محله های مسکونی فوق است که هر دو هدف در قالب فرضیات ۱ تا ۵ مطرح گردیده است. در این راستا، محقق با تهیه پرسشنامه ای محقق ساز نسبت به توزیع آن در محله های مسکونی واقع در شهر یاسوج مبادرت ورزید. سپس داده های به دست آمده توسط نرم افزار تحلیلی ویژه علوم اجتماعی (SPSS WIN 22) و استفاده از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که حس تعلق به مکان در محله های قدیمی در سطح بالاتری قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد که بعد کالبدی و بعد اجتماعی به ترتیب نسبت به سایر شاخص های مورد بررسی در این پژوهش در سطح بالاتری از سایر شاخص ها قرار دارد. علاوه بر این، عامل زمان در شکل گیری حس تعلق به مکان عا اساسی شناخته شد. با این توضیح که هر چه از مدت زمان اقامت افراد در محلات می گذرد، میزان حس تعلق به مکان آنها نیز افزایش می یابد. بنابراین، کلیه فرضیات مطرح شده در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

**کلمات کلیدی:** حس تعلق به مکان، سکونت، بعد اجتماعی، محله مسکونی.



## مقدمه

احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف، به ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن قابل تجزیه است، اما در مرحله ادراک درکی کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد. احساس تعلق و میزان مشارکت مردم در اجتماع، از عواملی مهمی هستند که بصورت کاملا مستقیم در سلامت روانی و کیفیت زندگی افراد جامعه تاثیرگذار هستند. تعلق مکانی به رابطه شناختی با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می شود و در واقع دلبستگی به مکان رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می دهد لذا با تاملی در پژوهش هایی که در زمینه احساس تعلق به مکان صورت گرفته است میتوان به اهمیت و تاثیر آن بر میزان آرامش افراد در سطح جامعه اشاره کرد. عوامل متعددی در حاصل شدن این رضایت تاثیرگذار هستند که در ادامه بصورت مختصر به بخشی از آنها اشاره خواهیم کرد. با این اوصاف در تفکیک ابعاد مختلف تشکیل دهنده حس تعلق، با توجه به آنچه که در ادبیات محققین این حوزه آمده است، ابعاد متفاوتی از محیط فیزیکی و معماری محیط گرفته تا عوامل روانشناسانه شخص و اجتماع، در ایجاد حس تعلق به مکان سهیم اند. وجود عوامل فیزیکی از قبیل محیط کالبدی، فرم، تجهیزات، عناصر و... عوامل اجتماعی از قبیل احساس تعلق به جامعه و روابط موجود در محیط، و همچنین عوامل فردی از قبیل ویژگی های جمعیت شناختی (بیوگرافی) مثل طول اقامت فرد، مالکیت خانه و ... از جمله این عوامل تاثیرگذار هستند و باعث می شوند که فرد نسبت به محیط احساس تعلق خاطر داشته باشد. در گفتار حاضر با تأکید بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و بعد روانشناسانه ادراک و شناخت شخص، این ابعاد را در دو دسته عوامل شخصی و فرهنگی ایجاد کننده حس تعلق، تقسیم بندی می کنیم. لذا روشن است که عامل های درون فردی عواملی هستند که از درون شخص حس تعلق را کنترل کرده و به بعد روانشناسانه اداک و شناخت مربوط اند. همچنین عامل برون فردی نیز از محیط خارج بر شخص تأثیر می گذارند مانند بعد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی. لذا پژوهش حاضر بر پایه ۴ فرضیه زیر مورد بررسی قرار می گیرند که عبارتند از:

- ۱- بنظر می رسد حس تعلق به مکان در محلات متفاوت است.
- ۲- بنظر می رسد عوامل کالبدی بیشترین تاثیر را بر ایجاد حس تعلق افراد می گذارد.
- ۳- بنظر می رسد حس تعلق به مکان با مدت زمان اقامت رابطه معناداری دارد.
- ۴- بنظر می رسد جنسیت افراد در روند شکل گیری حس تعلق به مکان موثر است.

## مفهوم محله در شهرسازی

مفهوم محله در برنامه ریزی و طراحی شهری از آن روی جایگاهی ویژه می یابد که با القای هویت به آن می توان حس تعلق به مکان و به نوعی حس جا و هویت شهروندان را تقویت نمود. «سهام مهمی از سطح شهرها را ساختمان ها و محله های مسکونی می پوشاند؛ از این رو کیفیت آن ها تأثیر مهمی در سیما و منظر عمومی شهر دارد. در واقع در نگاه اول هر شهر از ویژگی های



محلله‌های مسکونی آن می‌توان شناخت. روند توسعه‌های موجود در شهرهای محلله‌های مسکونی آن می‌توان شناخت. روند توسعه‌های موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که مناطق مسکونی به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته‌اند (برکپور، ۱۳۸۰). لذا شهرساز امروز ایران باید علاوه بر وظایف همیشگی یک شهرساز، کاستی‌هایی که در دهه‌های اخیر به فراموشی سپرده شدن را نیز جبران کند. پایداری هویت در محله با ارجاع به ریشه‌ها و خاستگاه‌های قدیمی آن قابل دستیابی است. «هویت سیمای مجموعه خصلت‌های بصری، کالبدی و معماری است که به صورت غالب در سیمای محله تداوم دارد... به عبارت دیگر منظور همان ارزش‌های محیطی است که در مناطق مسکونی گذشته وجود داشته و مردم با آن خو گرفته‌اند. نظم فضاها پر و خالی، خوانایی فضا و سیمای محلله‌ای و کیفیت‌های بصری مناطق مسکونی گذشته از جمله ارزش‌هایی هستند که در ذهن مردم نقش بسته‌اند. در واقع، مجموعه این‌ها هویت محلله‌های مسکونی را شکل می‌دهند و نیاز به بقا و پایداری آن را ضروری می‌نمایند (برکپور، ۱۳۸۰).

### ویژگی‌های محله ایرانی

چنانچه مفهوم محله را به شکلی که در تاریخ ایران مشهود است، تنها منحصر به شهرسازی اسلامی یا ایرانی بدانیم باید ویژگی‌های آن را نیز در همین شهرسازی بیابیم. «در سرزمین‌های اسلامی، شهر مجموعه‌ای است از محلات متجانس و همگن که براساس روابط، مناسبات، شکل و وابستگی‌های قومی، مذهبی و حرفه‌ای یا سرزمینی، در مکانی مشخص متجمع شده و هویت و اصالت خود را سال‌ها به همین صورت نگاه داشته‌اند» (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۸۳). همچنین فلامکی (۱۳۸۳)، در مورد اصول زندگی محلله‌های شهرهای ایران پنج خصوصیت ذکر می‌کند که عبارتند از: ۱- هر یک از محلات مسکونی شهرها از خود یاری و استقلال سکونتی مشروط و محدود برخوردارند. ۲- نوع زندگی اجتماعی محدود و مستقل از بازار (تحرک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن) در طرح شهر و محلات مسکونی وجود دارد. ۳- در مقابل مجموعه فضایی بازار، به عنوان فضای عمومی برای همه شهروندان و برای تازه‌واردان به شهر - محلات مسکونی دارای حجاب سکونتی خاص است. ۴- به خاطر ویژگی‌های سنتی بالقوه‌ای که نزد خانواده‌های ساکن در محلات مسکونی وجود دارد، رفتار اجتماعی ساکنان در محله شکل خاص می‌یابد. و هر فرد معرف شخصیتی است عاری از بی‌رنگی ۵۰ همزیستی متشکل خانواده‌های ساکن یک محله از وقایع تاریخی و اتفاقی غیرمنتظره شهری منطقه‌ای تأثیر می‌پذیرد. وی اضافه می‌کند که تنها در لحظه‌هایی زندگی مردم شهرها آرام و در رفاه است که همه اصول ذکر شده به نحوی شایسته اعمال می‌شود. ولی در هر حال، تداوم فکری و نیاز به اتکا بر این اصول را در لحظه‌هایی که شهر و محلات آن دچار بحران هستند، همیشه می‌توان به عنوان پدیده‌های خاص زندگی محله‌ای در شهرهای ایران بازشناخت.

### حس تعلق به مکان

تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۴). تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت مکان، نقشی برای آن در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌گردد (Steele, 1981). بنابراین حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص



یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد (جوان فروزنده، مطلبی، ۱۳۹۰). به این منظور به بررسی ابعاد مختلف حس تعلق پرداخته شده است. بر این اساس و با فرض مفروضات پدیدارشناختی و تجربه‌گرایی به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف علمی و ماهیتی حس تعلق در محیط پرداخته شده است.

### عوامل ایجاد کننده حس تعلق به مکان

برخی از محققین نظیر آلمتن و لو علاوه بر تاکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعامات و ارتباطات فرهنگی - اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی یعنی گونه‌ای از تعلق به خاطر مردم تعبیر نموده اند (Altman & Low, 1992). با این حال، محققین دیگری نیز بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری حس تعلق تاکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرایند حس تعلق ضروری می‌دانند. بر این اساس عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری حس تعلق به مکان را می‌توان در دو دسته تقسی مبنی نمود: تعلق اجتماعی و تعلق کالبدی به مکان (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰).

تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است. ریجر و لاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن به عنوان ریشه داری یاد نمودند که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق، به خاطر می‌سپارد (Riger & Lavrakas, 1981). علاوه بر آنها تیلور نیز به همراه گروه دیگری در بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همسایگی، با اشاره به عناصر کالبدی، از آن با عنوان تعامل کالبدی یاد می‌نماید که معادل تعلق کالبدی به مکان است. قبل از این دو، پروشانسکی بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم هویت فردی انسان اشاره نموده است. وی با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آنرا جزئی از هویت فردی و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیط‌های مختلف تبیین می‌کند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰). بسیاری از پژوهش‌های اخیر نیز رابطه مشخصه‌های فضای کالبدی و تعامات جمعی را محور توجه خود قرار داده‌اند. دیدگاه این تحقیقات بر این است که در هر محیط، فضای کالبدی به مثابه سامان‌های فضایی عمل می‌کند که بر تعامات جمعی کاربران موثر است (دانشگرمقدم، ۱۳۹۰).

شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهمترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط هستند که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه محیط می‌پردازد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰). بر اساس نظریه مکان - رفتار در روانشناسی محیطی، محیط به دو عامل فعالیت و کالبد دسته بندی می‌شود. در این ارتباط کالبد به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به عنوان مهمترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌شود. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی و ارتباط درون و بیرون در فضاها، به ایجاد





حس تعلق می پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی های فرم، هر یک نقش موثری در شکل گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز عامل موثر دیگر است. از سویی عناصر کالبدی از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر هستند (همان، ۳۴).

شامای در بررسی های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان، ۳ مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را اشاره و این حس را در ۷ سطح طبقه بندی می کند:

- ۱- بی تفاوتی نسبت به مکان
- ۲- آگاهی از فرار گیری در یک مکان
- ۳- تعلق به مکان
- ۴- دلبستگی به مکان
- ۵- یکی شدن با اهداف مکان
- ۶- حضور در مکان
- ۷- فداکاری برای مکان (Shamai, 1991)

هاموم نیز در مطالعات خود با اشاره به درجات مختلف حس مکان، به وجود تفاوت معنایی در درجات این حس تأکید کرده و نوعی ارتباط اجتماعی عمیق بین محیط و فرد را به عنوان بعدی از حس تعلق اشاره می نماید. (Hummom, 1992)

#### ابعاد مختلف حس تعلق به مکان

آنچه که در متون پژوهشی صورت گرفته در مورد ابعاد حس تعلق به مکان ارائه می شود، عمدتاً مبتنی بر تعریف مکان به عنوان محیط اجتماعی است. از این رو تعلق به مکان نیز عمدتاً تعلق به محیط های اجتماعی تعبیر و تفسیر می شود. برخی از محققین نظیر آلمن و لو با تأکید بر نقش اجتماعی مکان به تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی یعنی گونه ای از تعلق بخاطر مردم (استفاده کنندگان) تعبیر و تفسیر نموده اند. با این حال، محققان دیگری نیز بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عامل مهم دیگر در شکل گیری حس تعلق تأکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرایند ایجاد حس تعلق ضروری می دانند. به طور کلی می توان دو دسته بندی را برای حس تعلق به مکان اشاره کرد:

الف) تعلق اجتماعی: اینگونه از تعلق که عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش های اجتماعی در محیط صورت می گیرد، بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه ای از تعلق، ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا می باشد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می پردازد (کاشانی جو، ۱۳۸۹). لاوسون در کتاب معروف خود با عنوان زبان فضا با اشاره به قوانین اجتماعی محیط به ضوابط طراحی از آنها با نام قوانین نانوشته یاد برده که از هنجارهای ارزشی جوامع منبعث از فرهنگ و تعاملات اجتماعی اشاره می کند (لاوسون، ۲۰۰۱). گیفورد در پژوهش ارزشمند خود با هدف شناسایی تفاوت های مد نظر معماران و مردم استفاده کننده از محیط، یکی از مهمترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه به بعد اجتماعی محیط از سوی طراحان و توجه صرف به عناصر کالبدی و شاخص های فرمی، فارغ از عوامل معنایی اشاره و یا شفاف نمودن



این اختلاف بر ضرورت تجدیدنظر و شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و استفاده کنندگان در محیط های شهری تاکید می کند (گیفورد، ۲۰۰۲).

ب) تعلق کالبدی به مکان: این نوع از تعلق برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می باشد. ریچرولوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن با عنوان ریشه داری یاد می نماید که بر این اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق بخاطر می سپارد. علاوه بر آنها تیلور نیز به همراه گروه دیگر به بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همسایگی، با اشاره به عناصر کالبدی به مکان می باشد. قبل از این دو، پروشانسکی بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط های انسانی اشاره می نماید. وی با تاکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آنرا جزئی از هویت فردی و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیط های مختلف می داند (پروشانسکی، ۱۹۸۳).

شامای در بررسی های خود در مورد سطوح احساس به مکان، ۳ مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان اشاره و ای حس را در ۷ سطح طبقه بندی می کند:

۱- بیتفاوتی نسبت به مکان. ۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان. ۳- تعلق به مکان. ۴- دلبستگی به مکان. ۵- یکی شدن با اهداف مکان. ۶- حضور در مکان. ۷- فداکاری برای مکان (شامای، ۱۹۹۱). دو سطح اولیه مورد اشاره وی، عمدتاً سطوح ادراکی و شناختی فرد نسبت به محیط را شامل می شود، از سطح ۳ به بعد، ابعاد احساسی فرد نسبت به مکان را شامل می شود بطوری که رلف نیز بر عمیق ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه اشاره می کند و اعلام می کند ناآگاهانه بودن حس تعلق زمانی خود را نشان می دهد که فقدان یا جدایی فرد و مکان اتفاق بیفتد و حس تعلق دارای طیف وسیعی از بی مکانی تا تعلق و همذات پنداری شدی با مکان می باشد (رلف، ۱۹۷۶). هاموم نیز در مطالعات خود با اشاره به درجات مختلف حس تعلق به مکان، به وجود تفاوت های معنایی در درجات این حس تاکید کرده و نوعی ارتباط اجتماعی عمیق بین محیط و فرد را به عنوان بعدی از حس تعلق اشاره می نماید (هاموم، ۱۹۹۲).



### جدول ۱: عوامل تاثیرگذار بر حس تعلق به مکان

نمود عینی در محیط	تعریف	عوامل تشکیل دهنده حس تعلق
خوانایی- تمایز کالبدی- مشخص نمودن حریم- حدود مالکیت- همسایگی ها.	شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می باشد. این معنا عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد.	عوامل ادراکی شناختی فردی
فرهنگ- نمادها و نشانه های اجتماعی- فرم های منبعث از لایه های اجتماعی.	محیط به عنوان بستر فعالیت های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را براساس ادراک و نظام ساختارشناختی خود کشف و تفسیر می کنند و در اصطلاح انسان ها از محیط بصورت جمعی رمزگشایی می کنند.	عوامل اجتماعی
ایجاد تمایز محیطی- ویژگیهای فرم- ارتباط درون و بیرون- تامین نیازهای انسان.	فعالیت : عوامل اجتماعی، کنش ها و تعاملات عمومی انسان ها کالبد : متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء	عوامل محیطی- کالبدی

### روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. ابزار سنجش برای دستیابی به اهداف پژوهش، پرسش نامه محقق ساز که بر اساس چهارچوب تئوریک ساخته شده است. جامعه آماری این پژوهش محلات ابودر و امام حسین شهر یاسوج بوده که بعنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفته است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۵۶ بدست آمده است که تعداد ۱۵۶ پرسش- نامه به روش خوشه ای تصادفی بین ساکنین محلات مذکور توزیع گردیده است. برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار **SPSS WIN22** استفاده شده است و نتایج در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در آمار استنباطی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون **T** برای بررسی فرضیات تحقیق استفاده شده است. اعتبار ابزار سنجش تحقیق (پرسش نامه) از طریق اعتبار محتوایی، اعتبار صوری با مراجعه به اساتید و دریافت اتفاق نظر آنان درمورد شاخص ها بدست آمده است. همچنین در زمینه پایایی گویه های ابزار سنجش از طریق همبستگی گویه به گویه پایایی کل ابزار سنجش ارزیابی شد. آمار آلفا کرونباخ که دامنه آن از صفر تا یک است شاخص پایایی گویه های ابزار سنجش می باشد. میزان آلفا بین صفر تا یک متغیر است. هرچه به سمت صفر میل کند نشان دهنده مناسب نبودن سؤالات پرسش نامه و هر چه به سمت یک میل کند نشانه مناسب بودن سؤالات می باشد. نتایج بصورت شکل، جدول، نمودار و تحلیل گزارش شده است.



### تجزیه و تحلیل داده ها

در این قسمت به بررسی داده ها با استفاده از دو نوع آمار یعنی آمار توصیفی و آمار استنباطی می پردازیم. آمار توصیفی (Descriptive Statistic) خصوصیات پاسخگویان را بیان می کند. برای توصیف داده ها از جداول یک بعدی، توزیع فراوانی، درصدگیری، میانگین و... استفاده شده است. و در آمار استنباطی از آزمون های مرتبط بر اساس متغیر سنجی استفاده شده است. منظور از پایایی، طرح این سوال است که ابزار اندازه گیری، تا چه حد دارای دقت است. بنابراین زمانی یک ابزار اندازه گیری پایا است که در صورت تکرار اندازه گیری همان نتایج بدست آید. بدیهی است که هر چه میزان آلفا بالاتر باشد، پایایی مقیاس بیشتر خواهد بود.

متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ	جمع کل
عوامل ادراکی شناختی فردی	۶	۰/۸۵	۰/۷۸
عوامل اجتماعی	۶	۰/۸۰	
عوامل محیطی-کالبدی	۸	۰/۷۱	

جدول شماره ۲: میزان آلفای کرونباخ و پایایی سوالات.

با توجه به آزمون روایی و همانطور که از مقدار آلفای تک تک گویه ها و مقدار آلفای کل بر می آید، سنجش ما از گویه های مناسب انتخاب شده اند و با توجه به مقدار آلفای (۰/۷۸) گویه های تحقیق از روایی بالایی برخوردارند. آلفای گویه های بعد عوامل ادراکی شناختی فردی با میزان آلفای (۰/۸۵) عوامل اجتماعی (۰/۸۰) و عوامل کالبدی (۰/۷۱) می باشد. و همه گویه ها بالاتر از ۰/۷۰ و قابل قبول می باشد.

### روش تجزیه و تحلیل داده ها

پرسشنامه ها پس از جمع آوری و استخراج، وارد نرم افزار آماری SPSS گردید. پس با استفاده از جداول دو بعدی و نمودار به تحلیل داده ها اقدام گردید. تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، درصد فراوانی تراکمی و میانگین و در سطح استنباطی با توجه به نوع متغیر های مورد بررسی از آزمونهای تحلیل واریانس یکطرفه آنووا و آزمون T استفاده شده است.

جنسیت	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
مرد	172	57.0
زن	130	43.0
جمع کل	302	100.0

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان





فرضیه اول: فرضیه اول: بنظر میرسد حس تعلق در محلات بین زنان و مردان متفاوت است.

متغیر مورد بررسی	گروه‌های مستقل	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لون			آزمون تی		
				نمره اف	سطح معناداری	نمره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	
حس تعلق	مرد	۳/۴۵	۰/۵۴	۳/۴۷	۰/۰۶۳	۳/۷۶	۳۸۲	۰/۱۹	
	زن	۳/۰۸	۰/۴۶			۳۷۴			
رد یا تایید فرضیه								تایید فرض H <sub>1</sub>	

جدول شماره ۴: حس تعلق در محلات بین زنان و مردان

با توجه به آزمون فوق در حس تعلق در بین دو جنس زن و مرد، چون مقدار sig سطح معناداری در جدول لون Levene S بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. یعنی: ۰/۰۶ واریانسها برابرند و با توجه به مقدار sig سطح معناداری در جدول تی T، چون این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. ۰/۰۰۱ بنابر این فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که حس تعلق در بین دو گروه مذکور (زن و مرد) متفاوت است. با توجه به میانگین های بدست آمده در جدول آماره های گروه نیز مشاهده می شود که میانگین اکتسابی مردان با (۳/۴۵) بالاتر از زنان با (۳/۰۸) می باشد.

فرضیه دوم: بنظر میرسد بین فضاهای اجتماعی و حس تعلق به مکان در محلات رابطه معناداری وجود دارد

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان همبستگی	سطح معنی داری	تعداد	رد یا تایید فرضیه
حس تعلق به مکان	فضاهای اجتماعی	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰۱	۴۰۰	تایید فرض H <sub>1</sub>

جدول شماره ۵: رابطه بین فضاهای اجتماعی و حس تعلق به مکان در محلات

با توجه به آزمون همبستگی رتبه ای پیرسون فوق؛ میزان سطح معنی داری بین دو متغیر حس تعلق به مکان و فضاهای اجتماعی در محلات کمتر از ۰/۰۵ (یعنی: ۰/۰۰۰۱) می باشد. و با توجه به میزان همبستگی (۰/۱۰۹+) نشان از ارتباط بین دومتغیر و مثبت آن حاکی از رابطه مستقیم آن دارد.

فرضیه سوم: بنظر میرسد بین حس تعلق به مکان در محلات قدیم و جدید تفاوت معناداری وجود دارد.

متغیر مورد بررسی	گروه‌های مستقل	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لون			آزمون تی		
				نمره اف	سطح معناداری	نمره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	
حس تعلق به مکان	محله های جدید	۳/۴۴	۰/۵۴۴	۴۸/۶۸	۰/۴۴۶	-۵/۵۵	۳۹۸	-۰/۱۰۳	
	محله های قدیم	۳/۶۹	۰/۳۲			۳۲۱/۸			
رد یا تایید فرضیه								رد فرض H <sub>0</sub> و تایید فرض H <sub>1</sub>	

جدول شماره ۶: رابطه بین حس تعلق به مکان در محلات قدیم و جدید



با توجه به آزمون فوق در حس تعلق به مکان در بین دو محله قدیم و جدید، چون مقدار (Sig) سطح معناداری در جدول لون (Levene s) بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. (یعنی: ۰/۴۵) واریانسها برابرند و با توجه به مقدار (Sig) سطح معناداری در جدول تی T، چون این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. (۰/۰۰۰۱) بنابر این فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که حس تعلق به مکان در بین دو محله قدیم و جدید متفاوت است. با توجه به میانگین های بدست آمده در جدول آماره های گروه نیز مشاهده می شود که میانگین اکتسابی محله های قدیم با میانگین (۳/۶۹) بالاتر از محله های جدید با (۳/۴۴) می باشد.

فرضیه چهارم: مولفه ی کالبد محیط تا چه میزان توانسته است حس تعلق به مکان را در محلات مذکور تبیین کند

برای بررسی فرضیه فوق ابتدا به بررسی پیش فرض های رگرسیون چندگانه مورد مطالعه پرداخته می شود و در ادامه به بررسی معنادار بودن مدل رگرسیونی و نوشتن مدل مناسب و مورد تایید براساس ضرایب رگرسیونی معنی دار می پردازیم. برای بررسی معنادار بودن رگرسیون از آزمون (تحلیل واریانس) ANOVA با توجه به آماره فیشر پرداخته می شود که فرض معنی دار بودن رگرسیون چندگانه با پنج متغیر مستقل با متغیر وابسته با توجه مدل رگرسیونی بصورت زیر می باشد. قبل از بررسی معنی دار بودن رگرسیون به بررسی جدول رگرسیون چندگانه پرداخته می شود.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{مدل رگرسیون برازش شده معنی دار نمی باشد} \\ H_1: \text{مدل رگرسیون برازش شده معنی دار می باشد} \end{array} \right.$$

مدل رگرسیونی پیش بینی شده:

خطای استاندارد برآورد شده	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چند گانه
۰/۶۶	۰/۱۸۱	۰/۱۶۹	۰/۴۸

جدول ۷: نتایج رگرسیون چند گانه

در جدول ۴-۵ برای رگرسیون برازش شده، مقدار ضریب همبستگی چند گانه برابر با ۰/۴۸ می باشد که نشان دهنده ی همبستگی متوسطی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد در ادامه مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۱۸۱) که نشان دهنده این می باشد که ۷ درصد از کل تغییرات واریانس متغیر استرس بعنوان متغیر وابسته به متغیر مستقل عوامل کالبدی محیط می باشد.



جدول ۶ نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد.

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۵/۶۶	۱	۱۵/۶۶	۳۱/۱۵۲	۰/۰۰۰۱
باقیمانده ها	۷۳/۹۱	۱۴۷	۰/۵۰۳		
کل	۸۹/۵۷	۱۴۸			

جدول ۸: تحلیل واریانس (ANOVA)

در جدول ۸ با توجه به مقدار آماره  $F$  و مقدار سطح معنی داری این آزمون به بررسی معنادار بودن رگرسیون چند گانه پرداخته می‌شود، با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری این آزمون کمتر از ۵ درصد می‌باشد در نتیجه فرض معنادار بودن مدل رگرسیون برازش شده رد نمی‌شود یعنی مدل رگرسیون خطی چند گانه مناسب می‌باشد. نتایج ضرایب استاندارد و غیر استاندارد برای متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون در جدول ۹ نشان داده شده است.

سطح معنی داری	مقدار t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضرایب استاندارد شده	برآورد ضریب	
۰/۰۰۰	۱۳/۹۹	-	خطای استاندارد ۰/۱۶۶	مقدار ثابت ۲/۳۲۵
۰/۰۰۰	۵/۷۲	۰/۴۱۲	۰/۰۷۲	مدت زمان اقامت ۰/۳۸۹

جدول ۹: ضرایب استاندارد و غیر استاندارد برای متغیر مستقل کالبد محیط بر کاهش استرس در مدل

#### رگرسیون

جدول فوق مقادیر ضرایب رگرسیونی متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد که با توجه به آماره  $t$  و سطح معنی داری این آزمون مشخص می‌باشد متغیرهایی که سطح معنی داری آنها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در مدل رگرسیونی قرار می‌گیرند. مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که در یک مدل رگرسیونی مدت زمان اقامت بعنوان متغیر مستقل بر حس تعلق به مکان به میزان ۲/۳۲۵ می‌باشد و با توجه به آماره آزمون تی (۱۳/۹۹) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰۱) معنی دار بوده و می‌توان این گونه ارزیابی نمود که به میزان ۰/۴۱۲ حس تعلق به مکان توسط مدت زمان اقامت تبیین می‌گردد. با توجه به جدول ۹ می‌توان مدل رگرسیونی استاندارد را بصورت زیر نوشت:



متغیر مستقل	متغیر وابسته	میانگین اکتسابی گروه‌ها	F	سطح معناداری	اتا	مربعات اتا	رد یا تایید فرضیه
مدت اقامت	تعلق به مکان	کمتر از یک سال	۲/۵۵	۰/۰۰۰۱	۰/۴۷۱	۰/۲۱۸	رد فرض H <sub>0</sub> و
		۱ تا ۵ سال	۲/۸۳				تایید فرض H <sub>1</sub>
		۵ تا ۱۰ سال	۳/۱۲				
		بالاتر از ۱۰ سال	۳/۸۴				

جدول ۱۰: آزمون تحلیل واریانس F

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معنی داری (Sig) در جدول تحلیل واریانس (ANOVA) F در بررسی مقایسه میانگین‌های حس تعلق به مکان و مدت اقامت (در ۴ گویه)، کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (یعنی: ۰/۰۰۰۱). بنابراین فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که حس تعلق به مکان در محیط متفاوت است. سکونت کمتر از ۱ سال (۲/۵۵) تا ۱ سال (۲/۸۳) تا ۵ سال (۳/۱۲) و بالاتر از ۱۰ سال با میانگین (۳/۸۴) به ترتیب از کمترین تا بیشترین میانگین‌های حس تعلق به مکان را داشته اند. میزان ضریب اتا Eta در جدول اتا برابر با ۰/۴۷۱ است که شدت بالایی را از رابطه بین دو متغیر گزارش می کند. و میزان مربعات اتا Eta squared نیز بیانگر این است که ۰/۲۱۸ دوپست و هجده هزارم درصد از واریانس متغیر وابسته توسط واریانس متغیر مستقل تبیین می شود. بنابراین، بین مدت زمان اقامت و حس تعلق به مکان رابطه مستقیم و معناداری حاکم است. هرچه مدت زمان اقامت بیشتر شده است، حس تعلق به مکان افراد نیز بالاتر رفته است.

فرضیه پنجم: بنظر میرسد میزان تاثیر گذاری هر یک از زیر شاخصهای حس تعلق به مکان با هم متفاوت هستند.

میانگین	ETA	Sig اثرات بین آزمودنی‌ها	لامبدای و یلکز		SIG Leven	SIG	متغیر وابسته	متغیر مستقل	
			سطح معنی داری	مقدار لامبدا					
۳/۳۵	۰/۰۰۵	۰/۲۰۸	۰/۰۴۲	۰/۰۳	۰/۰۵۱	۰/۰۰۱	عوامل ادراکی شناختی فردی	تعلق به مکان	
۳/۴۵	۰/۰۰۹	۰/۰۸۵			۰/۰۰۱				عوامل اجتماعی
۳/۵۷	۰/۰۲۹	۰/۰۰۲			۰/۰۰۱				عوامل محیطی-کالبدی
				۱۵۷۱					

جدول ۱۱: میزان تاثیر گذاری هر یک از زیر شاخصهای حس تعلق به مکان.



تحلیل واریانس چند متغیری یک طرفه بین گروهی برای بررسی حس تعلق به مکان در زیر مقیاس های عوامل کالبدی- محیطی، عوامل اجتماعی و عوامل ادراکی-شناختی-فردی انجام شد. در ابتدا مفروضه های مقدماتی نظیر نرمال بودن، خطی بودن، داده های پرت تک متغیری و چند متغیری، یکسانی ماتریس واریانس - کوواریانس، چند هم خطی برای اطمینان از عدم تخطی جدی از آنها مورد بررسی قرار گرفت. از نظر آماری تفاوت معنی داری بین دو منطقه مورد بررسی در متغیر های وابسته ترکیبی وجود داشت (سطح معنی داری = ۰/۰۴۲ و  $F = ۱۵۷۱$ ) که این تفاوت معنی دار را در میانگین ها نیز مشاهده می کنیم. و در  $M$  باکس نیز با توجه به سطح معنی داری (۰/۰۰۱) مشاهده می کنیم که داده های تحقیق از مفروضه یکسانی ماتریس واریانس - کوواریانس تخطی کرده اند. و در آزمون لون واریانس های خطا نیز مشاهده می کنیم که با توجه به اینکه همه سطح های معنی داری ما کمتر از (۰/۰۵) می باشند می توان فرض کرد که واریانس ها در این گروهها یکسان نیستند. مقدار مجذور اتای تفکیکی نیز در عوامل کالبدی با میانگین ۳/۵۷، عوامل اجتماعی با میانگین ۳/۴۵، عوامل ادراکی-شناختی-فردی با میانگین ۳/۳۵ می باشد.

### نتیجه گیری

همانطور که اشاره شد، حس تعلق به مکان مبین پیوند احساسی بین افراد و محیطی است که در آن حضور دارند. این پیوند زمینه مساعدی را برای مشارکت سازمانی، سرمایه گذاری و عمل جمعی استفاده کنندگان از در اجتماع فراهم میسازد. تحقق تعلق جمعی در محله سنتی ناشی از تجربه متقابل نیروهای فیزیکی، هیجانی، اجتماعی بوده که در غالب سه نوع رابطه بیوگرافیکی، روحی روانی و اخلاقی تعریف می شود. تعلق افراد محله به محیط و محله زندگی خود، حاصل ارتباط درونی، تصورات ذهنی، خصوصیات محیطی و مبانی فرهنگی و اعتقادی ساکنان آن بوده است. حس تعلق به محله از یک طرف، ریشه در استمرار سکونت و تجربه های ذهنی افراد نظیر؛ وقایع، سنت، تاریخ، فرهنگ، اعتقادات، اجتماع و ... دارد و از طرف دیگر برگرفته از بسترهای عینی و بیرونی در محیط، نظیر؛ نوع طراحی، سازمان محله، کالبد و ... می باشد. بنابراین، محله سنتی آنجایی است که نیازهای جمعی و فردی افراد علاوه بر سرپناه، رشد اجتماعی و نیازهای روان شناختی را در بر گرفته است و این بدان معناست که شهرسازان و طراحان، بایستی در طراحی محیط متوجه تنوع نیازهای انسانی بوده و در برآوردن آنها کوشش حداکثری نمایند و همچنین در مورد ارتباطات بین مفاهیم گذشته، حا و آینده فضای مورد طراحی خود بینشی کامل بدست آورده تا زمینه های تحقق سکونت اجتماعی، فراهم گردد. مطابق با نتایج تحقیق، اگرچه میزان حس تعلق به مکان در هر دو محله در سطح بالایی قرار دارد اما در محله های قدیمی در سطح بالاتری قرار دارد.

اصلی ترین فرضیه ای که این پژوهش دنبال کرد، تعیین سطح حس تعلق به مکان در محله های جدید و قدیمی بود. برای دستیابی به این هدف، محله های مسکونی ابوذر و امام حسین (ع) واقع در شهر یاسوج مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که از تجزیه و تحلیل داده های آماری آزمون تحلیل واریانس  $F$  مشخص است حس تعلق به مکان در بین مردان با میانگین (۳/۶۷) بالاتر از حس تعلق برای زنان با میانگین (۳/۱۲) قرار دارد. فرضیه دومی که در این پژوهش به آن پرداخته شد، بررسی ارتباط بین حس تعلق به مکان و فضاهای اجتماعی در محله های مسکونی بود. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که با توجه به میزان همبستگی (۰/۱۰۹+) نشان از ارتباط بین دومتغیر و مثبت آن حاکی از رابطه مستقیم آن دارد. به این ترتیب، هرچه میزان تعلق به مکان افراد بالاتر می رود، ارتباطات اجتماعی افراد نیز بالاتر می رود. همچنین، سومین فرضیه





مورد بررسی در این پژوهش، تعیین حس تعلق به مکان در محله های جدی و قدیم در شهر یاسوج می باشد. با بررسی آزمون های انجام شده و داده های آماری ارائه شده می توان نتیجه گرفت که حس تعلق به مکان در بین دو محله قدیم و جدید متفاوت است. با توجه به میانگین های بدست آمده در جدول آماره های گروه نیز مشاهده می شود که میانگین اکتسابی محله های قدیم با میانگین (۳/۶۹) بالاتر از محله های جدید با (۳/۴۴) می باشد. در این پژوهش میزان تاثیرگذاری طول مدت اقامت بر حس تعلق به مکان مورد ارزیابی قرار گرفت. همانگونه که در تجزیه و تحلیل آماری فصل قبل نشان داده شد، با توجه به بررسی ۴ دوره متفاوت مدت اقامت بر روی حس تعلق به مکان، می توان بیان کرد که هر چه طول مدت اقامت در یک مکان بالا می رود، میزان تعلق افراد نیز بالاتر می رود. به بیانی دیگر، بین طول مدت اقامت و حس تعلق به مکان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، در پنجمین فرضیه میزان تاثیر گذاری هر یک از زیر شاخص های حس تعلق به مکان در محلات قدیم و جدید مورد کنکاش قرار گرفت که نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل آماری مقدار مجذور اتای تفکیکی نیز در عوامل کالبدی با میانگین ۳/۵۷، عوامل اجتماعی با میانگین ۳/۴۵، عوامل ادراکی-شناختی-فردی با میانگین ۳/۳۵ می باشد. بنابراین میتوان عنوان کرد که عوامل کالبدی و اجتماعی بیشترین تاثیرگذاری را در شکل گیری حس تعلق به مکان افراد ایفا می کند.

#### منابع

- برک پور؛ ناصر - پایداری هویت در محله های مسکونی - گفتگو با کامران ذکاوت - مجله شهرداری ها - شماره ۲۵ - تهران - ۱۳۸۰
- مشهدی زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۳)، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- فلامکی؛ محمد منصور - فردایی برای یک ربع قرن تجربه مرمت شهری در ایران - مجله هفت شهر - شماره ۲ - وزارت مسکن و شهرسازی - سازمان عمران و بهسازی - ۱۳۸۰
- فلاح، محمد صادق (۱۳۸۴)، نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان، صص ۵۷-۶۶.
- Steele, Fritz (1981), "The sense of place", CBI publishing company, Boston.
- مطلبی، قاسم و جوان فروزنده، علی (۱۳۹۰)، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. مجله هویت شهر، شماره هشتم، بهار و تابستان، صص ۲۷-۳۷.
- Altman, I. c Seth Low (ed) (1992), "Place Attachment, Plenum Press: New York.
- Riger, Stephanie & Lavrakas, Paul J. (1981), . Community ties: pat-terns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. American Journal of Community Psychology, 9, 55-66.
- دانشگر مقدم، گلرخ و دیگران (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متاثر از درک طبیعت در محیط انسان ساخت"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵،



Shamai Shmuel,(1991), .Sense of Place: An Empirical Measurement.,Israel,Geoforum vol 22,

Hummom, David,(1992), .Community Attachment:Local Setiment & Sense of Place.,Plenum,New York.

کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹). بازساخت رویکرد نظری به فضای عمومی شهری، مجله هویت شهر، شماره ۶.

Lawson, Brian,(2001), .The Language of Space.,Architectural press,London.

Gifford Robert, Hine Donald W., Muller-Clemm Werner & Shaw Kelly T.(2002), .Why Architects and Laypersons Judge Buildings Differently:Cognitive Properties and Physical Properties and Physical Bases.,Journal of Architectural and Planning Research,Vol19,pp 131-148.

Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kamino!, R. (1983), .Place-identity: physical world socialization of the self., Journal of Environmental Psychology ,vol 3,pp 57-83.

Relph, Edward,(1976), .Place and Placelessness.. London: Pion.